

همنشینی آب، گیاه و نظرگاه

به دنبال کهن الگوی باغ ایرانی

چکیده | علی‌رغم مطالعات بسیار در مورد باغ ایرانی و وجوه مختلف آن خصوصاً در دهه‌های اخیر، ابعاد ناشناخته و مورد اختلاف در باب دلایل شکل‌گیری و هندسه باغ ایرانی بسیار زیاد است. در این بین الگوی «چهارباغ» که باغ را حاصل دو محور متعامد با وجود کوشکی در محل تقاطع این دو محور می‌داند، با استناد به برخی شواهد چون نقوش برجسته چلیپایی و توصیف از بهشتی که آدم ابوالبشر از آن رانده شده، به عنوان کهن الگوی باغ ایرانی معرفی شده‌است. در سال‌های اخیر این تفکر توسط برخی از محققین مورد نقد قرار گرفته‌است.

در واقع، وجود الگوهای مختلف برای یک پدیده مانند باغ ایرانی نشان از ناتوانی پاسخ‌گویی یک الگوی شکلی ثابت برای این پدیده است، لذا شایسته است تلاش‌ها در جهت کشف الگوی پنهانی‌ای باشد که بتواند انواع گونه‌های شکلی را تولید کند. مقاله با سؤال از چگونگی شکل‌گیری رابطه انسان، آب و درخت در باغ ایرانی به دنبال یافتن کهن‌الگویی برای باغ ایرانی است که توجیه‌کننده انواع فرم‌های توسعه‌یافته باغ ایرانی نیز باشد. هدف غائی این نوشتار معرفی الگوی پنهان باغ ایرانی از ورای بررسی رابطه انسان، آب و درخت در نمونه‌ها و فرم‌های متنوع باغ ایرانی است.

نتایج تفحص در عناصر باغ ایرانی، نحوه استفاده از فضاهای آن و زیبایی‌شناسی خاص ایرانی، حاکی از وجود و تکرار الگو و رابطه سه‌گانه آب، گیاه و نظرگاه در باغ ایرانی است که تلاش در همه گونه‌های کالبدی موجود باغ ایرانی بهره‌مندی از منظر آب و گیاه، به عنوان مهم‌ترین عناصر طبیعی، از روی مکانی به عنوان نظرگاه است.

وحیدحیدرنتاج

دکتری معماری، استادیار دانشکده هنر و معماری
دانشگاه مازندران.

v.nattaj@yahoo.com

اسحق رضازاده*

کارشناس ارشد معماری، مربی دانشکده هنر و
معماری دانشگاه مازندران.

e.rezazadeh@umz.ac.ir

واژگان کلیدی | باغ ایرانی، کهن الگو، آب، گیاه، نظرگاه.

را با تکیه بر این اصل که؛ «تمامی باغ‌های تاریخی شکل یافته از سه نظام کاشت، آب و بنا (استقرار معماری) هستند که عمارت اصلی با استقرار در مناسب‌ترین موقعیت، به بهترین چشم‌انداز دست می‌یافت» (شاهچراغی، ۱۳۸۹)، جستجو کند، ویژگی‌ای که می‌تواند زاینده فرم‌ها و پلان‌های متنوعی باشد نه فقط یک دسته خاص از باغ‌های ایرانی مانند گونه‌های چهاربخشی. مقاله حاضر به دنبال کشف کهن الگوی پنهان در باغ ایرانی است که به نحوه استفاده از باغ ایرانی از دید ناظر تأکید دارد.

به این ترتیب، این نوشتار به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که؛ کهن الگوی پنهانی که بتواند پاسخ‌گوی تمامی فرم‌های باغ ایرانی باشد چیست؟

فرضیه

فرضیه پژوهش این است که؛ تدارک مکانی مرتفع جهت بهره‌مندی از منظر آب و گیاه، کهن الگوی پنهان باغ ایرانی است که در کالبدهای گوناگون متکثر شده است.

پیشینه تحقیق

از زمانی که استروناخ (۱۳۷۰) طی مقاله‌ای مبتنی بر گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی باغ پاسارگاد حدس چهاربخشی بودن باغ ایرانی را عنوان کرد و پلان ترسیمی باغ پاسارگاد را برخلاف واقعیت، به صورت دو محور عمود برهم ترسیم نمود، به دلیل اینکه باغ مزبور قدیمی‌ترین باغ برجای مانده ایرانی است، این تصور نادرست شکل گرفت که همه باغ‌های ایرانی چهارباغ می‌باشند، در صورتی که قدیمی‌ترین استفاده از این واژه در کتاب ارشادالزراعه هروی (۹۲۱ ه. ق.) است که بر چهاربخشی بودن باغ اشاره دارد. در سال‌های اخیر در خصوص کهن الگوی چهارباغ نظرات مختلفی از سوی محققین مطرح شده است. بسیاری از صاحب‌نظران همچون انصاری (۱۳۷۸)، میرفندرسکی (۱۳۸۳)، مسعودی (۱۳۸۸)، شاهچراغی (۱۳۸۹)، بر پایه گفته‌های رایج، اصولاً باغ ایرانی را چهارباغ دانسته و معتقدند در نظام استقرار؛ دو محور اصلی عمود برهم، باغ را به چهار قسمت اصلی تقسیم می‌کند و گوشک در محل تقاطع محورها احداث می‌گردد. در مقابل نقدهایی نیز بر این الگو وارد شد که در اغلب آن‌ها الگوی چهارباغ را از منظری خاص مورد تردید قرار دادند، از جمله

مقدمه | باغ در فرهنگ و تمدن ایران از روزگاران دیرین اهمیت و جایگاهی مهم داشته است. اهمیت پرداختن به باغ و باغ‌سازی و ارج نهادن به طبیعت در ایران تا حدی بوده است که به صورت یک آیین مذهبی درآمده بود؛ محصول این نگاه یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های منظرسازی با عنوان «باغ ایرانی» را به جهان هدیه کرده است. قدمت باغ ایرانی چنان است که با افسانه‌ها پیوند خورده و ریشه در ناشناخته‌ها دارد. تلاش‌های بسیاری از سوی محققین باغ ایرانی در شناسایی پیشینه و کهن الگوی اصیل باغ ایرانی انجام شده است، الگویی که فرم و ساختار باغ ایرانی را در زمان و مکان‌های مختلف توضیح دهد. لذا عدم وجود الگوی مشخص، به دلیل آمیخته بودن این پدیده با افسانه، سبب شده تا الگویی که از نظر هندسی با هندسه برخی از باغ‌ها سازگار است به عنوان کهن الگوی باغ ایرانی معرفی گردد. این الگو همان الگوی معروف و رایج «چهارباغ» است که هندسه باغ را براساس دو محور عمود بر هم و وجود گوشکی در محل برخورد این دو محور، توجیه می‌کند. این رویکرد نگاهی کاملاً از بالا (پلانی) به باغ داشته و توجیه‌کننده منظر باغ مبتنی بر استفاده‌کننده یعنی انسان نیست. به نظر می‌آید این الگو ریشه در الگوهای غیرایرانی بیان‌شده در تورات (ر.ک. منصور، ۱۳۹۰) مبنی بر الگوی تقسیم زمین توسط چهار نه‌داشته باشد. کهن الگوی رایج «چهارباغ» به عنوان منشاء باغ ایرانی، به تحلیل باغ از نگاه بالا پرداخته است، زاویه دیدی که هیچ‌گاه از طرف استفاده‌کنندگان درک نمی‌شود بلکه تحلیل محققین معاصر از باغ ایرانی است. مهم‌تر آنکه، کهن الگوی مطرح شده پاسخگوی تمامی فرم‌ها و گونه‌های کالبدی متنوع باغ‌های ایرانی نیست و تنها تعداد محدودی از باغ‌ها با این الگو قابل توجیه هستند.

در واقع، وجود الگوهای مختلف برای یک پدیده مانند باغ ایرانی نشان از ناتوانی پاسخگویی یک الگوی شکلی ثابت برای این پدیده است لذا شایسته است تلاش‌ها در جهت کشف الگوی پنهانی باشد که بتواند انواع گونه‌های شکلی را تولید کند.

این مقاله الگوی «چهارباغ» را به دلیل عدم درک از ناحیه دید انسان و همین‌طور به دلیل عدم توانایی آن در پاسخ‌گویی به تمام انواع باغ ایرانی، به عنوان کهن الگوی باغ ایرانی رد می‌کند و بر آن است تا ویژگی اصیل مشترک در تمامی باغ‌های ایرانی



تصویر ۱: حضور آب در باغ چشمه علی دامغان.
عکس: وحید حیدرنتاج، ۱۳۸۹.

حرکت آب در باغ، اصیل ترین و مطبوع ترین خصوصیت مشترک باغ ایرانی است (حیدرنتاج، ۱۳۸۹: ۶۰). از سوی دیگر حضور بلاواسطه آب در باغ نیز قابل تأمل است، یعنی عنصر آب برای کسب ارزش و اعتبار نیاز به عنصر دیگری ندارد لذا برخلاف باغ‌های اروپایی با مجسمه ترکیب نمی‌شود. آب در حالت ساکن و یا جاری، همواره از عناصر شاخص محور اصلی باغ ایرانی بوده‌است. نمایش آب به صورت جاری به اشکال مختلف علاوه بر منظر، صدای دلنشینی در باغ ایجاد می‌کند و در مقابل، «نمایش آب به صورت سطح یا صفحه‌ای افقی در استخرها و حوض‌ها با اشکال مختلف، موجب انعکاس پدیده‌های همجوار شده و بر وسعت مجاز یا بیکرانگی فضای باغ می‌افزاید» (شاهچراغی، ۱۳۸۹: ۷۶). سطح آب همچنین، آینه‌وار تصویر آسمان را منعکس می‌کند؛ یعنی تصویر امر لایتناهی و بیکران که بیننده را به جهان کامل باغ ایرانی وارد می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۷).

حضور پررنگ گیاه نیز به صور گوناگون و گونه‌های مختلف از دیگر ویژگی مشترک و اصیل تمامی باغ‌های ایرانی است، تعریف باغ بدون گیاه امکان‌پذیر نیست؛ «گیاهان و به طور خاص درخت همراه با آب دو عنصر مقدسی هستند که از مظاهر آناهیتا بوده و در ارتباط با پاکی، باروری، رشد و فراوانی در جهان هستی قرار دارند» (جوادی، ۱۳۹۲: ۴۵). «ایرانیان از جلوه طبیعت در باغ‌های خود به شیوه‌ای بی‌تکلف و ساده لذت می‌بردند و هرگز به محیط آن جنبه افسانه‌ای و تخیلی نمی‌دهند.» (منصوری، ۱۳۸۴-ب). برای انسان ایرانی، گیاه زنده، اعم از دست‌کاشت یا

برخی از محققین همچون بهشتی (۱۳۷۸)، منصوری (۱۳۹۰) و حیدرنتاج (۱۳۸۹) ضمن بررسی منشاء پیدایش نظریه چهارباغ، نحوه تأثیر این کهن‌الگو در شکل‌گیری باغ ایرانی را مورد انتقاد قرار دادند. با این وجود، تاکنون هیچ‌الگویی به‌عنوان جایگزین کهن‌الگوی چهارباغ ارائه نشده‌است.

آب و گیاه دو عنصر اصیل در باغ ایرانی حیات باغ ایرانی بدون حضور آب غیرممکن است. «افسانه‌های آب، الهه آناهیتا و تعبیر قرآن، که آب را منشاء حیات و عامل طهارت و پاکی دانسته، معنایی توأم با قدسیت برای آب ساخته که تفکیک آن از عنصر آب در ذهن انسان ایرانی ممکن نیست. چنین معنایی، زمینه‌ساز طرح آب به عنوان عنصر معنوی صحنه باغ ایرانی شده‌است.» (منصوری، ۱۳۸۴-ب: ۶۰). علی‌رغم یک گمان نادرست، که اهمیت آب در باغ ایرانی را با اقلیم خشک ناحیه مرکزی ایران نسبت می‌دهد، هرگاه در مناطقی همچون اقلیم معتدل شمال که میزان بیشتری از آب در دسترس بوده نقش پررنگ‌تری از آن را در ساخت منظرین باغ می‌توان دید. نقش آب در برخی از باغ‌های این مناطق چنان پررنگ است که می‌توان آن‌ها را «باغ آبی» نامید. «چنانچه دسترسی به منابع آب زیاد باشد، کوشک و نظرگاه اصلی باغ به میان آن نقل مکان می‌کند. حسرت آب در اقلیم پرآب بی‌معنا است. از این رو نقش معنوی آب در باغ ایرانی مطرح می‌شود.» (همان). آب در فرهنگ ایرانی همیشه نماد روشنی و پاکی به شمار می‌رفت لذا حضور و



تصویر ۲: پوشش گیاهی در باغ شاه بهشهر.
عکس: وحید حیدرنتاج، ۱۳۹۰.

در باور اسلامی وجود داشته و از آنجا که باغ پدیده‌ای آئینی به‌شمار می‌رود، حضور آن‌ها در باغ ایرانی تداوم یافته است. اهمیت و ارزش طبیعت و عناصر طبیعی نزد ایرانیان، پس از ظهور فرهنگ اسلامی غنی‌تر شد (تصاویر ۱ و ۲).

نظرگاه

باغ ایرانی به منظور دستیابی به دید وسیع و عمیق، و احاطه بصری بر طبیعت و عناصر آن، با احداث کوشک اصلی در بالاترین نقطه یا نقطه‌ای با حداکثر اشراف، دو دسته چشم‌انداز را خلق می‌کند: گروه اول چشم‌انداز داخلی ایجاد شده در محورهای اصلی و فرعی باغ و گروه دیگر چشم‌اندازهای خارجی و دید بیکران به مناظر طبیعی موجود در محیط پیرامون باغ هستند. این چشم‌اندازها با توجه به قابلیت‌های محیطی سایت و با استفاده از نظرگاه مرتفع در عمارت اصلی باغ در جهت یا جهات مطلوب به وجود می‌آیند و دیدهای مناسبی به محیط باغ می‌دهند.

هندسه باغ ایرانی هندسه مستقیم‌الخط است تا بتواند هدف فوق‌الذکر را تأمین کند. بررسی باغ‌های ایرانی حاکی از وجود محوری در طول بزرگ‌تر آن است که به کوشک میانی یا انتهایی باغ ختم می‌شود. این محور با انبوه درختان و جوی‌های روان آب، تزئین شده است. شکل‌گیری محور، برخلاف اینکه جایگاه عناصر عملکردی باغ است، مبتنی بر نقش کارکردی آن نبوده، بلکه هدف ایجاد فضایی وحدت‌دار است که منظره در آن اصالت دارد. در این اقدام بیش از مکان‌یابی عملکردها، ایجاد فضا و منظره‌ای خاص

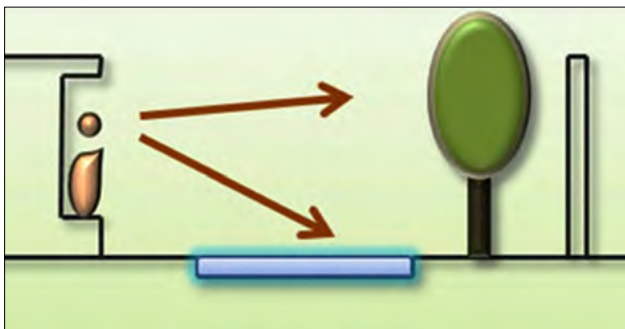
خودرو، در هر جا که می‌روید، گواهی بر قدرت آفریدگار بود، مشروط به اینکه آن را، دخل و تصرف انسانی، نظیر هرس کردن، ضایع نکرده باشد. چرا که گیاه نیز همانند آب در نزد ایرانیان بالذات زیبا است و نمی‌بایست آن را به صورت غیر طبیعی آراست. گیاهان و درختان در فرهنگ ایران کهن تقدیس شده و در فرهنگ ایران پس از اسلام مورد احترام است و به سبب همین جایگاه، نقشی اساسی در فضاسازی باغ ایرانی ایفا می‌کند. به عنوان مثال «درخت سرو، مظهر جاودانگی، راستی، سرفرازی و آزادی در صدر مضامین نقاشان و تجسمی‌کاران قرار داشته و دارد؛ چنانچه یکی از زیباترین و جذاب‌ترین نقش برجسته‌های تخت جمشید است» (ایپلکا، ۱۳۹۰: ۱۰۳). طبیعت در باغ ایرانی زمینه‌ای برای لذت انسان، وسیله‌ای برای ساخت فضایی مناسب با طبع انسان و محیطی است که توان پرورش قوای روحانی، تأملات شهودی و معرفت قلبی را در خود نهفته دارد. از این رو باغ ایرانی در عین احترام به انسان هم به مثابه جزئی از طبیعت و هم مخاطب اصلی باغ ایرانی، نگاهی ویژه به اصالت عناصر طبیعی دارد و دست‌اندازی به این عناصر از جمله آب و گیاه را پسندیده نمی‌داند. «باغ ایرانی نظم فضا و منظره خود را از انسان و ذهنیت او می‌گیرد و جزء فضاها با اصالت طبیعت آراسته می‌شوند. می‌توان گفت باغ ایرانی نظمی دوگانه دارد: در کل و انتظام خود انسان محور و در جزء و فضاهای ملموس طبیعت‌مدار است» (منصوری، ۱۳۸۴-ب: ۶۲). آب و درخت به عنوان دو عنصر مقدس از دیرباز در آیین‌های کهن ایرانی و

وسعت مجازی باز نیز می‌افزاید. در زمین‌های شیب‌دار که امکان دید به بیرون باغ مهیا است، جانمایی کوشک به گونه‌ای است که شعاع دید را با نگاه به طبیعت بیرون باغ وسعت می‌بخشد.

بحث

«کهن الگو»، به الگوی اولیه یک پدیده یا کالبد گفته می‌شود که در طول زمان دچار تغییر بر پایه شکل اولیه می‌گردد. در مورد الگوی بیان شده «چهارباغ» به نظر می‌رسد که این الگو توجیه‌کننده تمام شکل‌های موجود از باغ ایرانی باشد. گونه‌شناسی کالبدی از باغ ایرانی حاکی از وجود پلان‌ها و هندسه‌های متفاوت است که ضمن داشتن ویژگی‌های مشترک بنیادین، کالبد‌های گوناگونی ارائه می‌دهد. این مقاله ضمن پذیرش این مسئله که الگوی چهارباغ می‌تواند پاسخگوی برخی از گونه‌های باغ‌های ایرانی مانند باغ‌های چهاربخشی باشد، به دنبال کشف الگوی پنهان در باغ ایرانی است و ادعا دارد که در تمامی اشکال موجود و توسعه یافته از باغ ایرانی می‌توان این الگو را یافت. برخی از گونه‌های کالبدی که با الگوی پیشنهادی این مقاله یعنی الگو «سه‌گانه آب، گیاه و نظرگاه» بهتر از الگوی چهارباغ توجیه می‌شوند عبارتند از:

الف- باغ حیاط: گونه‌ای از باغ ایرانی است که در شرایط محدود، در مقیاس انسانی احداث می‌گردد. باغ حیاط از قرار گرفتن مجموعه فضاهای مسکونی در اطراف حیاط شکل می‌گیرد و به سمت باغ چشم‌اندازهای یک‌طرفه دارد. با توجه به علاقه‌مندی ایرانیان به آب و گیاه، این عناصر به همراه نظرگاه، در کوچک‌ترین مقیاس باغ ایرانی حضور موثری داشتند (حیدرنجات، ۱۳۸۹: ۳۹). حیاط‌های مرکزی خانه‌های ایرانی نمونه کوچکی از باغ‌های ایرانی است، شاید کوچک‌ترین نمونه آن حیاطی در شهر طبرس است که متشکل از یک نخل، یک حوض آب و یک ایوان برای نظاره آن‌ها است (تصاویر ۳ و ۴).



تصویر ۳: نحوه حضور و ارتباط آب، گیاه و نظرگاه در باغ حیاط. ترسیم: نگارندگان.

که حال ویژه باغ ایرانی را تولید کند، هدف‌گیری می‌شود: بریدن از بیرون و توجه به درون (منصوری، ۱۳۸۴-ب: ۵۹). یکی از موضوعات مهم در فرهنگ معماری ایران، ترکیب معماری و باغ به منظور بهره‌مندی از چشم‌اندازهای طبیعی است؛ تا جایی که در آن استفاده از عناصر مرتفع و مشرف به محیط اطراف، اهمیت فراوان یافته و مورد توجه جدی قرار گرفته‌است. محصول این نوع نگاه شکل‌گیری پدیده باغ ایرانی است. جوهره اصلی و ابتدایی نظرگاه به معنای ایجاد مکانی بلندتر با دیدی مناسب به سمت منظره مقابل در طول زمان ثابت ماند و «این تفکر کم‌کم در ساخت بناها نیز لحاظ گردید و عنصر ایوان در بناها به سمت مناظر بیرونی و یا حیاط‌های درونی به وجود آمد» (منصوری، ۱۳۸۴-الف: ۷۵).

باغ ایرانی به تناسب وسعت، اهمیت، کاربرد و انتظاری که از آن می‌رود؛ دارای بناهای متعدد است. مهم‌ترین بنا از بین آن‌ها کوشک یا نظرگاه اصلی باغ است که با توجه به شرایط و توپوگرافی بستر در موقعیت‌های مختلف احداث می‌شود؛ ویژگی مشترک همه آن‌ها برخورداری از بهترین دید و منظر است. «نظرگاه مکانی در نقطه‌ای بالاتر از سطح باغ است که از آنجا می‌توان بر آن نظر انداخت. این منظر به صورت هدف‌دار شکل می‌گیرد و توسط عناصر گزینش شده و با ایجاد فضایی خاص تعریف می‌شود.» (گودرزبان، ۱۳۹۳: ۳۳). در این نظرگاه، هرگز نمی‌توان بر کلیت باغ تسلط داشت، بلکه عناصر موجود همواره چشم انسان را متوجه محور و مناظر گزینش شده می‌کند که درختان و آب عناصر ثابت این چشم‌انداز هستند. برای ایرانیان کوشک و دیگر عناصر نظرگاهی همواره با حضور طبیعت و باغ معنادار بوده و وجود یکی گواه بر حضور دیگری است. در مینیاتورها و نگاره‌های باغ نیز این ارتباط نظرگاه با باغ حضور پررنگی دارد و «در بسیاری از نگاره‌های مربوط به باغ و فضای بیرونی ارتباط تنگاتنگ کوشک و طبیعت دیده می‌شود.» (تیموری، ۱۳۹۳: ۱۷). جریان ترسیم شده زندگی در باغ ایرانی و نحوه استفاده از آن حاکی از وجود کوشک یا نظرگاه جهت نشستن و بهره‌گیری از منظر آب و گیاه است. «در نگاره‌های تاریخی مرتبط با نمایش باغ نظرگاه بیشترین حضور را دارد و مهم‌ترین عنصر تصویر شده از عناصر باغ ایرانی در نگاره‌های مرتبط است.» (همان: ۱۵).

در باغ ایرانی نظرگاه در راستای درک و ایجاد رابطه‌ای عمیق با طبیعت ایجاد شده‌است. در مناظر محدود داخلی با ایجاد محورهای مستقیم محصور و تعریف‌کننده دید، سعی در ایجاد پرسپکتیوی عمیق دارد که در عین نظر بر عناصر طبیعی بر

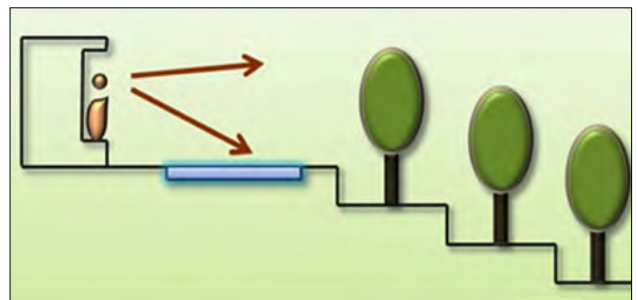


تصویر ۴: حیاط خانه‌ای در طبرس؛ حوض آب، درخت نخل و ایوان.
مأخذ: دانشدوست، ۱۳۶۹ - ب.



تصویر ۶: باغ شاهزاده ماهان.
عکس: وحید حیدرنتاج، ۱۳۸۹.

ب- باغ تخت: گونه‌ای معروف از باغ ایرانی است که شیب تند زمین عامل اساسی در شکل‌گیری آن است. از ویژگی‌های این باغ‌ها که به صورت پلکانی ساخته می‌شوند، قرارگیری کوشک در بالاترین نقطه باغ جهت دستیابی به بهترین چشم‌انداز است (همان: ۵۵). باغ شاهزاده ماهان یکی از بهترین نمونه الگوی باغ تخت است که با کهن الگوی «چهارباغ» سازگاری ندارد (تصاویر ۶ و ۵).

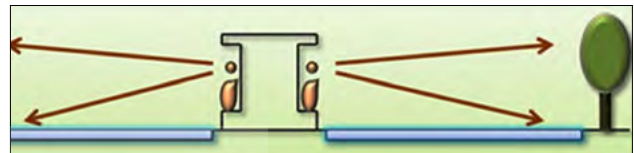


تصویر ۵: نحوه حضور و ارتباط آب، گیاه و نظرگاه در باغ تخت.
ترسیم: نگارندگان.

ج- باغ جزیره: در برخی از گونه‌های باغ ایرانی حضور گسترده آب، کالبد باغ را متحول می‌کند. آب بر باغ و کوشک محیط می‌گردد و با احداث باغ در میان آب چشم‌انداز بدیع پدید می‌آید که با نقش‌آفرینی آب و گیاه به تکامل می‌رسد. این شکل از باغ نیز با الگوی چهارباغ توجیهی ندارد. باغ ائل‌گلی تبریز نمونه‌ای از باغ جزیره است که گاهی به باغ آبی هم معروف است. باغ عباس‌آباد بهشهر یکی از نمونه‌های موفق در ترکیب باغ تخت و باغ جزیره است، شکل باغ ترکیبی است از یک جزیره با بنایی در میان و یک باغ تخت دوطرفه که در نوع خود بی‌نظیر است (تصاویر ۸ و ۷).



تصویر ۴: منظر گزیده باغ عباس‌آباد.
عکس: وحید حیدرنتاج.



تصویر ۷: نحوه حضور و ارتباط آب، گیاه و نظرگاه در باغ جزیره.
ترسیم: نگارندگان.

عنصر شکل گرفته‌اند نیز مصداق‌های مناسبی برای الگوی چهارباغ نیستند؛ در این مقاله نیز مجال پرداختن به همه آن‌ها وجود ندارد.

بسیاری از باغ‌های دیگر که از تقاطع یا ترازوی محورهای مستقیم‌الخط در زمین صاف یا شیب‌دار با تأکید خاص بر یک

| الگوی سه‌گانه آب، گیاه و نظرگاه | الگوی رایج چهارباغ |
|---------------------------------|--|
| زاویه دید استفاده‌کننده از باغ | زاویه دید از نگاه پرنده و عدم درک به وسیله انسان |
| بیان شده با ابزار برش | بیان شده با ابزار پلان |
| | |

جدول ۱: مقایسه الگوی «چهارباغ» و الگوی «سه‌گانه آب، گیاه، نظرگاه»
ترسیم: نگارندگان.

مشابه یا توسعه یافته آن نیز بسیار اندک می‌باشد؛ بنابراین هیچ‌گاه نمی‌تواند پاسخ‌گوی تمامی الگوهای باغ ایرانی باشد مگر اینکه بقیه الگوها را باغ ایرانی نامیم.

به نظر می‌رسد باید به دنبال عناصری گشت که استفاده‌کننده از فضای باغ در تعامل بسیار نزدیک با آن‌ها بوده و در بین همه باغ‌های شناخته‌شده باغ ایرانی مشترک باشد. عناصر سه‌گانه معرفی شده در مقاله شامل آب، گیاه و نظرگاه (کوشک یا بنای اصلی باغ) را می‌توان در تمام باغ‌های ایرانی مشاهده کرد. نکته قابل توجه در خصوص الگوی سه‌گانه آب، گیاه و نظرگاه، تغییر زاویه نگاه از پلان به دید انسانی است. براین اساس باغ ایرانی جهت دستیابی به بهترین چشم‌انداز به هندسه منظمی نیاز داشت که یکی از نتایج آن محور عمیق در باغ ایرانی است. این الگو کلیه باغ‌ها در مقیاس‌های مختلف، از باغ-حیات تا باغ در باغ یا باغ‌شهر، را در بر می‌گیرد و پاسخ‌گوی انواع گونه‌های متنوع کارکردی و کالبدی باغ ایرانی است (جدول ۱).

نتیجه‌گیری | باغ ایرانی پدیده‌ای است محصول جلوه‌های بکر و طبیعی دو عنصر گیاه و آب در کنار عناصر انسان ساخت در نظام هندسی مستقیم‌الخط. مفهوم باغ با تنها یک هندسه یا طرح فضایی ملازم نبود؛ بلکه بیشتر حس پیوند با طبیعت بکر و عناصر طبیعی مانند آب و گیاه، در اشکال مختلف بوده‌است. جهت شناخت بیشتر پدیده باغ ایرانی و علی‌الخصوص توسعه آن در عصر کنونی، نیاز به کشف کهن الگوی آن می‌باشد. پژوهش‌ها و تلاش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته‌است که منجر به معرفی الگوی رایج چهارباغ شده‌است؛ الگوی چهارباغ، هرچند تلاشی ستودنی است در کشف کهن الگوی باغ ایرانی، اما دارای نقاط ضعفی می‌باشد که نمی‌تواند پاسخ‌گوی تمامی گونه‌های کالبدی باغ ایرانی باشد. بزرگ‌ترین نقطه ضعف الگوی مذکور عدم درک آن از نگاه استفاده‌کننده است. الگوی چهارباغ یک الگوی شکلی چهاربخشی دارای تقارن کامل کالبدی است که نمونه آن در باغ‌های منتسب به باغ ایرانی انگشت‌شمار و نمونه

پی‌نوشت

زندگی در باغ ایرانی و بهره‌مندی از فضاهای آن متفاوت از نگاه کاملاً هندسی است که با پلان معرفی شده و آنچه که ما براساس آن باغ ایرانی را بازمی‌شناسیم همانی نیست که سازندگان و بهره‌برداران این باغ‌ها در آن‌ها می‌دیدند. «همان‌گونه که در نگاره‌های تاریخی از باغ ایرانی چیزی از جنس گل‌گشت و تفرجی فارغ از انضباط ریاضی را می‌یابیم» (بهشتی، ۱۰:۱۳۸۷).

Archetype-۲

۱- مشهورترین تعریف در ارتباط با چهارباغ آن را یک باغ مستطیل شکل تقسیم شده به چهار قسمت به وسیله مسیرها یا آبراهه‌ها می‌داند. دانشدوست باغ ایرانی را ترکیبی از خطوط و محورهای اصلی می‌داند که فضای باغ را به چهار بخش تقسیم می‌کند (دانشدوست، ۱۳۶۹-الف). در این تفکر ساختار هندسی باغ ایرانی را تابع نظام مستطیل شکل و یا مربع با محورهای عمود بر هم می‌داند که متناسب با ویژگی و شیب زمین کرت‌بندی و یا ترانس‌بندی می‌شود اما جریان

فهرست منابع

- استروناخ، دیوید. (۱۳۷۰). شکل‌گیری باغ‌های سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغسازی ایرانی. *مجله اثر*، (۲۲ و ۲۳): ۷۵-۵۴.
 - ایلکا، شاهین و ایلکا شهاب. (۱۳۹۰). *تجسم اندیشه آیینی در معماری و منظرپردازی ایران*. تهران: طحان.
 - انصاری، مجتبی. (۱۳۷۸). *ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی- اصفهان)*. رساله دکتری. دانشکده هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
 - بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۷). *جهان باغ ایرانی. فصلنامه گلستان هنر*، (۱۲): ۱۵-۷.
 - تیموری‌گرده، سعیده و حیدرنتاج، وحید. (۱۳۹۳). *نظرگاه عنصر اصلی تصویر شده از باغ در نگاره‌های نمایش‌دهنده باغ ایرانی. فصلنامه باغ نظر*، (۳۰): ۲۶-۱۵.
 - جوادی، شهره. (۱۳۹۲). *بازخوانی روایت باستانی «آب و درخت» در دوران اسلامی. فصلنامه هنر و تمدن شرق*، (۱): ۴۳-۵۰.
 - حیدرنتاج، وحید. (۱۳۸۹-الف). *هنجار شکل‌یابی باغ ایرانی؛ با تأکید بر نمونه‌های عصر صفوی کرانه جنوبی دریای خزر، نمونه‌های موردی: باغ‌های بهشهر*. رساله دکتری. دانشکده هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
 - حیدرنتاج، وحید و منصور، سید امیر. (۱۳۸۸). *نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی. فصلنامه باغ نظر*، (۱۲): ۱۷-۳۰.
 - حیدرنتاج، وحید. (۱۳۸۹-ب). *باغ ایرانی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - دانشدوست، یعقوب. (۱۳۶۹-الف). *باغ ایرانی. فصلنامه اثر*، ۱۸ و ۱۹: ۲۲۴-۲۱۴.
 - دانشدوست، یعقوب. (۱۳۶۹-ب). *طیلس شهری که بود (باغ‌های طیلس)*. تهران:
- : سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۹). *پارادایم‌های پردیس (درآمدی بر بازنشاسی و بازآفرینی باغ ایرانی)*. تهران: جهاد دانشگاهی.
 - شیردست، آرزو و فراهانی فرد، عطیه. (۱۳۹۳). *مقایسه نمایش و حضور آب در باغ‌های ایران و هند. فصلنامه هنر و تمدن شرق*، (۳): ۴۷-۴۰.
 - گودرزیان، شروین. (۱۳۹۳). *مقایسه مفهوم نظرگاه در باغ‌های ایران و هند. فصلنامه هنر و تمدن شرق*، (۳): ۳۲-۳۹.
 - مسعودی، عباس. (۱۳۸۸). *بازشناسی باغ ایرانی؛ باغ شازده ماهان*. چاپ نخست. تهران: نشر فضا.
 - منصوری، سید امیر. (۱۳۸۴-الف). *بررسی نقش صدف در معماری ایران*. طرح پژوهشی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
 - منصوری، سید امیر. (۱۳۸۴-ب). *درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی. فصلنامه باغ نظر*، (۳): ۶۳-۵۸.
 - منصوری، سید امیر و حیدرنتاج، وحید. (۱۳۹۰). *بررسی منشا پیدایش نظریه چهارباغ به عنوان الگوی هنر باغسازی ایرانی. فصلنامه منظر*، (۱۶): ۲۳-۱۶.
 - میرفندرسکی، محمد امین. (۱۳۸۳). *باغ ایرانی چیست؟ باغ ایرانی کجاست؟ ماهنامه موزه‌ها*، (۴۱): ۱۹.
 - هروی، قاسم بن یوسف. (۱۳۵۶). *ارشاد‌الزراره*. به اهتمام محمد مشیری. تهران: امیرکبیر.